

فوران خشم از قتل بكتاش آبتين

شهلا دانشفر

۲۲ دی ۱۴۰۰، ۱۲ ژانویه ۲۰۲۲
مندرچ در انترناسیونال ۹۵۵

پیش از ظهر روز شنبه هجدهم دی ماه ۱۴۰۰ در بیمارستان ساسان تهران، بکتاش آبتین در بیمارستان ساسان تهران با بیماری کرونا درگذشت. جانباختن او اما فقط بدست کرونا نبود. او قربانی حکومت توحش اسلامی شد که او را در شرایط کرونا در زندانهای پرجمعیت زندانی کردند و عامدانه او را با تاخیر بسیار راهی بیمارستان کردند و در واقع این شاعر و نویسنده آزاده را به قتل رساندند. به این ترتیب قتل جنابتکارانه بکتاش آبتین شاعر، فیلمساز و عضو کانون نویسندگان ایران به دست جمهوری اسلامی رقم خورد. جنایتی در ادامه قتل های زنجیره ای که جامعه را به لرزه درآورد. بکتاش آبتین نماد آزادیخواهی و سمبل مبارزه برای آزادی بیان و آزادی زندانیان

سیاسی است. او آزاده ای رزمنده، جسور و شجاع بود و به خاطر دفاع از آزادی بیان و مبارزه با سانسور و خفقان به بند کشیده شده بود.

بکتاش همه جا نه بزرگی بود در برابر حکومت سرکوب و جنایت، نه بزرگی بود در برابر سانسور و خفقان. یک نمونه اش ایستادن او در برابر سینمای فرمایشی و حکومتی بود. از جمله او از پیشتازان تحریم چهلمین جشنواره فیلم فجر بود و در این رابطه نوشت: "وضعیت جامعه معاصر ما این است که ما به اندازه ی کافی شاعر خوب، فیلمساز خوب، هنرمند خوب داریم. آنچه کم داریم این است که یک سری آدم بایستند و مبارزه کنند. بایستند و

حقشان را بگیرند. یک سری آدم که پایمردی
کنند. فضیلت پایمردی، مبارزه و ایستادگی این
حلقه ی مفقوده ی معاصر کشور من هستند.
بدین ترتیب دوست دارم که همین امروز در
جوانی با اقتدار جان شیرینم را فدای آزادی
کنم. ” .

بکتاش آبتین کسی بود که وقتی نوید افکاری
قهرمان جوان کشتی محبوب مردم و از
بازداشت شدگان اعتراضات مردمی در سال
۹۷ را اعدام کردند، به اعتراض به یاد او شعری
سرود و فریاد آزادی سر داد. به راستی یاد
هر دوی آنها گرامی باد.

در مهر ماه امسال بود که جایزه سالانه آزادی

بیان انجمن اهل قلم آمریکا به او و کیوان باژن و رضا خندان مهابادی که آنها نیز به جرم آزادیخواهی در زندانند، اهدا شد.

آبتین در پنجم مهرماه سال ۹۹ با اتهاماتی چون عضویت در کانون نویسندگان ایران و حضور بر مزار پوینده و مختاری، جانباختگان قتل‌های سیاسی زنجیره‌ای به شش سال حکم زندان محکوم شده بود. و بعد به رغم هشدارها درباره وضعیت سلامتی‌اش، در اوج شیوع کووید برای اجرای حکم خود به زندان اوین منتقل گردید. جانیان اسلامی علیرغم بیماری‌هایی که بکتابش داشت از دادن مرخصی به وی امتناع کردند تا اینکه در زندان به کرونا مبتلا شد. و وقتی هم این بیماری مرگبار به

سراغش آمد از دریافت درمان لازم محرومش کردند و زمانی وی را به بیمارستان انتقال دادند که بیماری تمام وجودش را گرفته بود. بدینگونه بکتاش آبتین را خاموش و بیصدا به قتل رساندند. اما قتل او بیصدا نماند و امروز مردم وی را به عنوان نمادی از آزادیخواهی و صدای زندانیان در بند بر سر دست بلند کرده و در هنگام خاکسپاری اش با سرود آزادیخواهی و سردادن شعارهای مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر حکومت آدم کش بدرقه اش کردند.

جالب اینجاست خانه سینمای ایران که لانه حکومتیان در عرصه سینماست پیشتر در پیامی به مناسبت درگذشت بکتاش آبتین با وقاحت تمام بدون اشاره به زندانی بودن و تعلل

عامدانه زندانبان جنایتکار جمهوری اسلامی برای اعزام وی به بیمارستان، نوشت: "علیرغم واکسیناسیون گسترده و فروکش کردن امواج کرونا عضوی دیگر از هنرمندان خانه سینما با ابتلا به این بیماری مرموز جان سپرد". این بیانیه با خشم و نفرت بسیاری از سوی مردم روبرو شد و حتی اعضای خانه سینما آنرا بیشرمانه خواندند. تا جایی که خانه سینما مجبور به عذرخواهی شد، محمد رضا مومنی از مقامات آن به اعتراض از بیانیه هیات مدیره از سمت خود در خانه سینما استعفا داد و دبیر کل خانه سینما نیز ناگزیر به استعفا شد.

این چنین است که قتل بکتاش به آنچنان ولوله ای در سطح جامعه و در درون زندانها تبدیل

شد که انعکاسش جهانی گردید. و این چنین است که قتل وی برای حکومت اسلامی هزینه سنگینی در پی داشته و خواهد داشت. از جمله درگذشت او تجدید عهده شد در سطح کل جامعه به ادامه راهش برای آزادی و خلاصی از شر حکومت اسلامی که انعکاس کوچکی از آن را در مراسم با شکوه گرامیداشتش دیدیم. درگذشت بکتاش همچنین جرقه ای شد بر آتش خشم جامعه و امروز مردم با فریاد رساتری دارند از حق آزادی و برابری سخن میگویند و بکتاش آبتین را به عنوان سمبل مبارزه علیه خفقان و سانسور و علیه زندان و سرکوب می ستایند.

از سوی دیگر درگذشت بکتاش آبتین توجه کل

جامعه را به وضع زندان و زندانیان سیاسی جلب کرد و جنبش برای آزادی زندانیان سیاسی و همراه با آن جنبش دادخواهی در اعتراض به قتل خاموش زندانیان را به جلو آورد. جنبش دادخواهی مردمی که عزیزانشان همین امروز در زندانهای حکومت اسلامی در بند هستند و جانشان در خطر است و خانواده هایی که شاهد قتل خاموش عزیزانشان بوده اند. بویژه همزمان با درگذشت بکتاش آبتین با دومین سالگرد گرامیداشت یاد جانباختگان هواپیمای اوکراینی که سرنشینانش بخاطر زدن موشک توسط جانیان اسلامی به قتل رسیدند، آتش خشم مردم را برافروخته تر کرد و فریاد مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر ظالمان فریاد رسای مردم دادخواه در مراسم گرامیداشت بکتاش آبتین

بود.

بازتاب اجتماعی و جهانی قتل بکتاش آبتین

قتل بکتاش آبتین بازتاب وسیعی در سطح جامعه و همچنین در سطح بین المللی داشت. کانون نویسندگان ایران در روز هجدهم دیماه خبر درگذشت بکتاش آبتین را خبری کرد و انتشار این خبر همه را بر بهت و حیرت فرو برد. در بخشی از بیانیه کانون به این مناسب چنین آمده است: “دریغا سرکوب‌گران ظلمت خو که این هنرمند مردمی و آزادی‌خواه را در اوج خلاقیت و بالندگی، در روز روشن از مردم و جامعه‌ی ادبی و هنری ایران ربودند، به زندان‌اش افکندند و عامدانه با اخلال در

روند درمان‌اش، چراغ پُر فروغ جان عاشق و شیدای او را در برابر طوفان بی‌داد نهادند و خاموش کردند. کانون نویسندگان ایران چنان که پیش از این بارها اعلام کرده است، حاکمیت جمهوری اسلامی و دستگاه قضایی و امنیتی آن را عامل و مسئول فاجعه‌ی مرگ و بلکه قتل تبه‌کارانه‌ی بکتاش آبتین می‌داند و صدای دادخواهی خود را به گوش جهانیان می‌رساند و از همه‌ی آزادی‌خواهان، نهادهای مستقل هم‌سو و مدافعان حقوق بشر می‌خواهد چشم بر این جنایت نبندند و فریاد اعتراض خود را رساتر کنند. کانون نویسندگان ایران هم‌چنان نگران سلامت سه عضو زندانی خود، رضا خندان مهابادی، که هم‌اکنون با بیماری کرونا دست‌وپنجه نرم می‌کند، کیوان

باژن و آرش گنجی و همه‌ی زندانیان سیاسی و عقیدتی است و بیم آن دارد که هر آینه با تداوم سیاست‌های جنایت‌کارانه، فاجعه‌ای دیگر به بار آید.

بدنبال قتل بکتاش آبتین ولوله ای در زندانها بر پا شد. زندانیانی شعر گفتند، زندانیان ترانه سرودند، زندانیانی تحصن کردند و بیانیه های اعتراضی شان بیرون داده شد. از جمله هم بندان او در زندان با شعار مرگ بر خامنه ای تحصن کردند و وقتی اعتراض آنان با حمله و ضرب و شتم نگهبانان جنایتکار زندان روبرو شد، شعارهای ضد حکومتی رساتر فریاد زده شد.

همچنین روز یک‌شنبه، ۱۹ دی‌ماه زندانیان سیاسی بند زنان زندان اوین، مراسم یادبودی برای بکتاش آبتین برگزار کردند و صبح روز بعد، ۲۰ دی‌ماه مأموران زندان به بند زنان هجوم بردند. در این تهاجم وحشیانه آنها قصد داشتند عالیه مطلب‌زاده، عکاس، روزنامه‌نگار، فعال حقوق زنان و نایب‌رئیس انجمن دفاع از آزادی مطبوعات و از برگزارکنندگان اصلی مراسم مذکور را به زندان قرچک ورامین منتقل کنند که با مقاومت او و همبندان‌اش مواجه شدند. پس از آن مأموران زندان، زندانیان را تهدید کردند که اگر مطلب‌زاده را تحویل ندهند با توسل به "قوهی قهریه" وارد بند خواهند شد. نهایتاً با اعمال زور و تحت فشار قرار دادن زندانیان، عصر روز دوشنبه

او را به زندان قرچک منتقل کردند. طبق خبرها دستور انتقال عالیه مطلبزاده به زندان قرچک توسط دادستان تهران داده شده است و یکی از دلایل انتقال او برگزاری مراسم یادبود برای بکتاش آبتین بوده است.

در روز نوزدهم دیماه همچنین جمعی از زندانیان سیاسی جمهوری اسلامی طی بیانیه ای مرگ بکتاش آبتین را قتل سیستماتیک زندانیان سیاسی دانسته و آنرا محکوم کردند. این بیانیه قتل آبتین را ادامه ی قتل های سیاسی زنجیره ای دانسته و در بخشی از آن چنین آمده است: "اگر دستگاه سرکوب جمهوری اسلامی به هر دلیلی دیگر نمی تواند مانند آن سالها در روز روشن، دگراندیشان را خفه کند

راه‌های «تمیزتری» برای بریدن صدای منتقدان پیدا کرده است. مورد بکتاش، نمونه‌ی آن. “امضا کنندگان این بیانیه عبارت بودند از: سید افخم ابراهیمی، محمد ابوالحسنی، ایوب اهراری، صادق امیدلیپوندی، کیوان باژن، مهران بیات، رامین پارسا، پیمان پورداد، آرش جوهری، حمید کاشانی، معین حاجی‌زاده، علی‌اصغر حسنی‌راد، مجید حسینی‌نژاد، مصطفی خسروی بابادی، مهدی دارینی، احمد دهقان، مهران رئوف، خسرو صادقی بروجنی، کیوان صمیمی، محمود علی‌نقی، ابوالفضل غسالی، سیروس قرچه، پارسا گلشنی، آرش گنجی، مهدی مسکین‌نواز، رضا مظاهری، مهدی محمدی، پوریا مضروب، امیرحسین میرخلیلی، حسن ناصری، علی نوری‌زاد،

مجتبی نایری، رمضان همتی، احمد یزدانی پور.

در همین روز جمعی از زندانیان سیاسی زندان رجایی شهر نیز در واکنش به مرگ بکتاش آبتین، شاعر، فیلم‌ساز و عضو کانون نویسندگان ایران بیانیه‌ای منتشر و آن را ادامه‌ی قتل‌های سیاسی زنجیره‌ای توصیف کردند. در سرسخن آن چنین آمده است: " بار دیگر لوکوموتیو قتل‌های زنجیره‌ای، در ایستگاه اوین، یکی دیگر از نویسندگان را در بند و زنجیر به کام مرگ کشانید تا به جای آوردن اوجب واجبات را رکورد بزنند. در خاتمه این بیانیه چنین آمده است: "ما زندانیان سیاسی محبوس در زندان رجایی شهر، ضمن ابراز همدردی با بازماندگان

آن عزیز بزرگوار، جمهوری اسلامی را مسئول مرگ او میدانیم و باورمندیم که تنها با حضور مسئولانه در کارزارهای دادخواهی و به چالش کشیدن حاکمیت در رابطه با جنایاتی از این دست میتوان مانع از تکرار چنین فجایعی شد.

ساعت ۱۸ روز ۲۰ دی ماه، نیز زندانیان سیاسی بند ۸ اوین با تجمع در سالن اجتماعات مرکزی این بند (حسینیه مرکزی) مراسم پرشکوهی را در گرامیداشت بکتاش آبتین و در اعتراض به قتل او برگزار کردند و شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد سر دادند. این مراسم در حالی برگزار شد که تحصن زندانیان سیاسی بند ۸ که از روز قتل بکتاش آبتین آغاز شده است همچنان در حسینیه سالن ۸ ادامه دارد.

زندانیان سیاسی بند ۸ اوین هدف خود را از این تحصن، اعتراض به قتل بکتاش آبتین و پاسخگویی بالاترین مقامات سازمان زندان‌ها و قوه قضائیه به این قتل اعلام کرده اند.

در ادامه این اعتراضات در روز ۲۱ دی ماه جمعی از زندانیان سیاسی تهران بزرگ هم‌طی بیانیه‌ای قتل بکتاش آبتین و سرکوب تجمع زندانیان بند هشت و بند زنان زندان اوین را محکوم کرده و خواستار اقدام عملی نهادهای حقوق بشری و بین‌المللی در جهت محکومیت اعمال جنایتکارانه‌ی جمهوری اسلامی شدند.

علاوه بر اعتراضات در درون زندان و مراسم گرامیداشت بکتاش آبتین در روز خاکسپاری

وی، نهادها و تشکلهای مختلف کارگری و بخش های مختلف جامعه با بیانیه هایشان این جنایت آشکار را محکوم کردند. از جمله شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان طی بیانیه ای بکتابش آبتین را قربانی سیاستهای سرکوب و ارباب حکومت خوانده و نوشت: "بکتابش آبتین در حالی قربانی سیاستهای سرکوب و ارباب شد که شورای هماهنگی بارها نسبت به در خطر بودن جان زندانیان از جمله زندانیان سیاسی و معلمان دربند به حاکمیت هشدار داده بود اما حاکمیت بدون توجه به قوانین حقوق بشر عمل نموده حقوق زندانیان را نادیده می گیرد و به زندانیان سیاسی و عقیدتی ظلم و ستم مضاعف تحمیل می کند. ما همواره به عنوان نماینده جمع کثیری از فرهنگیان

ایران به این اعمال غیرانسانی اعتراض نموده خواهان توقف زندان تمام آزادی خواهان از جمله هم‌زمان #بکتاش_آبتین و معلمان دربند هستیم.”

همچنین چهره های سرشناسی از فعالین کارگری و فعالین اجتماعی به این مناسبت پیام دادند. اسماعیل بخشی از نمایندگان کارگران نیشکر هفت تپه در نوشته کوتاهی می نویسد: “به خیالشان محکومش کردند، زندانش کردند، بیمارش کردند، جانش را گرفتند تا دیگر سرود آزادی را از دهان سرخس نشنوند. آسوده نباشید که از گور #بکتاش_آبتین این شاعر آزادی، هزاران جوانه خواهد روید که از دهان سرخشان سرود آزادی و آزادیخواهی را بر

سرتان فریاد خواهند کشید، آسوده نباشید.“

جعفر عظیم زاده نیز در این مورد مینویسد:
”بکتاش آبتین را با پابند و زنجیر شده به تخت بیمارستان کشتند. این درجه از بربریت را در حق یک نویسنده و شاعر کجای جهان سراغ داریم؟ ستمگران از بکتاش خاموش نیز بشدت در هراسند، چرا که نیک می‌دانند بکتاش خاموش نشده است. بلکه صدایش، اعتراضش و آرمان‌هایش در وجود همه ما کارگران و آزادیخواهان جاری شده است. .. روزهای پاسخگویی ستمگران حاکم بر کشور در مقابل جنایت‌هایشان بسیار نزدیک تر از آن است که این متوهمان قدرت فکرش را میکنند.“

قتل بکتاش آبتین در سطح جهانی نیز انعکاس بسیاری داشت. از جمله در این خصوص "انجمن جهانی پاسداشت حقوق بشر" طی بیانیه‌ای از جامعه جهانی خواستار اعزام یک هیات ویژه جهت بازدید از زندانهای ایران و ملاقات با "زندانیان سیاسی" جهت جلوگیری از گسترش ابعاد جنایات نظام جمهوری اسلامی در زندانها شد.

در همین راستا انجمن جهانی قلم (پن) نیز در روز ۲۱ دی و نیز در رابطه با وضعیت نگران کننده رضا خندان (مهابادی) بیانیه‌ای داد. در بخشی از این بیانیه چنین آمده است: "مرگ آبتین نشانه‌ی بارز مخاطراتی است که نویسندگان مستقل در ایران پیش رو دارند و

گویای نیاز شدید به آزادی تمامی نویسندگانی
است که به دلیل نوشته‌های خود ناعادلانه
زندانی شده‌اند.

بدین ترتیب اعتراض به قتل جنایتکارانه
بکتاش آبتین ادامه دارد و این نشان دوره
جدیدی از مبارزه برای آزادی و برای باز کردن
در زندانهاست.

۱۲ ژانویه ۲۰۲۲

وب سایت:

www.wpiran.org

تماس با حزب:

پیامگیر تلگرام: **wpi_tamas@**

و یا با ارسال پیام به شماره

۰۰۴۶۷۰۰۴۴۷۴۲۵

از طریق سیگنال، واتساپ و تلگرام و اینستاگرام